

افق نخبه پروری کودک و نوجوان در مدارس و آسیب شناسی نخبه گشی (فیلم انجمن شاعران مرده در بوته نقد الیتسیم ویلفردو پارتو)

سارا ذبیحی^۱، دکتر سید طاهر قادری^۲

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)

^۲ آموزش و پرورش مازندران، دکتری پداگوژی (تعلیم و تربیت)

چکیده

هر نظام و نظریه‌ای، مفاهیم نخبه/ الیت، نخبه پروری، نخبه گرایی/ الیتسیم و شاخصه‌های نخبگی و... را از منظر خود برمی‌سازد. در نخبه گرایی کلاسیک ویلفردو پارتو، نظریه گردش نخبگان، گفتمان اقتدارگرا و قدرت طلبی را به تصویر می‌کشد که در آن با توزیع قدرت، توزان‌ها و تعادل‌ها دگرگون می‌گردد؛ سرآمدانی که از امتیازات بالاتری نسبت به طبقه توده برخوردارند، نخبه هستند و به دو دسته حاکم فرادست و غیرحاکم فرودست تقسیم می‌شوند. اینکه نخبه پروری چگونه به آسیب‌هایی چون نخبه-کشی می‌انجامد، با روش توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل محتوا با داده‌کاوی استقرایی به کمک منابع کتابخانه‌ای پاسخ داده می‌شود. پژوهش حاضر می‌کوشد با هدف آسیب شناسی، فیلم انجمن شاعران مرده را به عنوان یک نمونه غربی نقد نماید. نتایج نشان می‌دهد نظام آموزشی نخبه پرور مدارس، ممکن است با آسیب‌هایی چون نخبه گشی آلوده گردند و آسیب‌های دیگری بر اثر تقابل‌ها و دگرگونی مرتبه نخبگان بروز کند. راهکار برون رفت از این آسیب‌ها، در نظام آموزشی اسلامی-ایرانی، توجه به قرآن کریم و آموزه‌های دینی است که به اجرای دقیق و درست سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به شکل تعادلی، تعاملی و متعالی یاری می‌رساند.

واژه‌های کلیدی: نخبه، نخبه پروری، ویلفردو پارتو، نظریه چرخش نخبگان، نقد فیلم، آسیب شناسی.

۱. مقدمه

براساس مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۶) در خصوص کلیات نظام تربیت استعدادهای برتر در آموزش و پرورش، دانش آموز دارای استعداد برتر، دانش آموزی است که با توجه به ویژگی های ذاتی خود و در مقایسه با گروه همسالان، در یک یا چند زمینه، توانایی یادگیری و درک بالاتری دارد یا در انجام ماهرانه کار و بروز قابلیت های شخصی در آن زمینه، صلاحیت و برجستگی خاصی نشان می دهد که این برتر بودن استعداد، یکی از شروط لازم و نه کافی جهت ارتقا به مرحله نخبگی در مراحل آتی دانسته شده است. لذا در چهارچوب تربیت رسمی و عمومی مندرج در «مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش» بر اصول زیر تأکید گردیده است:

۱- انعطاف: استفاده از برنامه ها و روش های منعطف و متنوع آموزشی و تربیتی، متناسب با علایق و نیازهای ویژه دانش آموزان و شرایط و اقتضائات نظام آموزش و پرورش و نیازهای کشور؛

۲- استمرار: شناسایی، تربیت و هدایت استعدادهای برتر به صورت مستمر، مرحله ای و فرایندی، در طول دوران تحصیل؛

۳- تلفیق: ارائه خدمات و تسهیلات آموزشی و تربیتی به دانش آموزان استعدادهای برتر در محیط های یادگیری دانش آموزان عادی و پذیرش حداقل تفکیک و جداسازی آنان؛

۴- تعادل: توجه به رشد متوازن و همه جانبه دانش آموزان در ساحت های شش گانه تربیتی، با تأکید بر تربیت اخلاقی، اعتقادی و عبادی.

پس باید سعی شود ضمن اینکه دانش آموز دارای استعداد برتر از دیگر دانش آموزان عادی جدا نشود، بر تربیت اخلاقی، اعتقادی و عبادی وی نیز تأکید و تمرکز لازم صورت پذیرد. بدین منظور جهت ارتباط بهتر با چنین دانش آموزانی ضرورت دارد که به بازتعریف مفاهیمی چون «استعداد برتر»، «سرامد» و «نخبه» از منظر قرآن کریم پرداخته شود تا تربیت چنین افرادی هم اسلامی و هم اصولی باشد و به تربیت مدنظر آموزش و پرورش نزدیک گردد.

لذا شناسایی این افراد خاص، ارتقای اخلاقی و تربیتی و توانمندسازی آنان از جمله اهدافی است که مدنظر نظام آموزشی قرار گرفته است. برای شناسایی این افراد، نخست باید مشخص نمود که کدام مفهوم و ویژگی و شاخصه ای مدنظر است که به ارتقا و توانمندسازی افراد بر آن مبنا پرداخت؛ زیرا «اصلی ترین مشکل در رویکردهای مربوط به نظام نخبگانی، ناشی از فهم متداول از واژه نخبه است، که عمدتاً مبتنی بر تیزهوشی و نهایتاً استعداد درخشان استوار شده است و به سایر جنبه های نخبگی یعنی خبرگی و کنشگری اجتماعی توجهی نشده است» [۱].

به همین منظور در پژوهش حاضر، مفهوم شناسی «نخبه» و «نخبگی» و جریان های «نخبه گرایی» در بخش مبانی نظری تدقیق می گردد. نظریه «چرخش نخبگان» ویلفردو پارتو که چهارچوب نظری پژوهش است معرفی و توصیف می شود. فیلم انجمن شاعران مرده به کارگردانی پیترو ویر که از فیلم های برجسته در موضوع آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت است، به عنوان نمونه مورد آسیب شناسی از منظر نظریه پارتو واقع می شود و دوگانگی نظام آموزشی مدرسه و لتون که خود یک مدرسه خاص با استعدادهای برتر و افراد نخبه است، بررسی می شود که نخبه پرور است یا نخبه کش (۱).

بنابراین هدف پژوهش حاضر، نقد آسیب شناسانه فیلم انجمن شاعران مرده به عنوان نمونه ای از نخبه پروری غربی است که منجر به نخبه کشی شده است و در نهایت نوشتار حاضر تأکید دارد بر ضرورت مستحکم کردن بنیان های اسلامی-ایرانی نخبه-پروری که علی رغم آسیب های موجود در کشور مثل بازاری شدن آموزش، تک بعدی شدن فراگیر و... به نخبه کشی نگراید. این خود نشان دهنده ضرورت و اهمیت مسأله مورد مطالعه است.

این موضوع در پژوهش مستقلی دیده نشد. اما مفهوم نخبه، نخبگی، چرخش نخبگان پارتو و... در قرآن کریم، شاهنامه [۲]، در آثار و شخصیت ناصر خسرو و قشیری و هجویری [۳]، در کلیله و دمنه و مرزبان نامه [۴] و تحلیل نخبه کشی در شخصیت قائم-مقام و امیرکبیر و مصدق [۵]، و بررسی فیلم نام برده از منظر آرمان شهری یا پادآرمان شهری بودن مدرسه [۶] صورت گرفته که در بدنه پژوهش و منابع قابل ملاحظه هستند. روش توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل محتوا با داده کاوی استقرایی در این نوشتار به کار می رود.

۲. مبانی نظری

۲-۱. مفهوم‌شناسی نخبه یا الیت

واژه الیت (Elite) که به معنی نوک یا قله است و به عنوان مترادف نخبه به کار می‌رود، در قرن هفدهم برای توصیف کالاهایی با مرغوبیت خاص به کار می‌رفت و بعدها برای اشاره به گروه‌های اجتماعی برتر تعمیم یافت [۷]. به تدریج تعاریف دقیق‌تر و بسته به چشم‌اندازی که به آن نگریسته می‌شد، بازتعریف و شاخصه‌های ویژه‌ای می‌یافت. در فرهنگ لغت دهخدا، نخبه به معنای فرد بهین، برگزیده و زبده و در فرهنگ عمید، مجازاً به معنای دانا و باهوش است [۸]. این واژه، کم کم معانی متعددی در علوم اجتماعی و سیاسی و جامعه‌شناسی یافت و از منظر علمی به آن نگریسته شد. از میان تعاریف متعدد و مشخصه‌های ویژه‌ای که به آن منتسب می‌شد، می‌توان در بطن اغلب آنان دو عنصر «زبده‌گی» و «انتخاب» را مشاهده کرد. امروزه ترادف مفهوم اصطلاحی نخبه با الیت، به حوزه ادبیات سیاسی برمی‌گردد که در یک گفتمان اقتدارگرا معنا سازی شده است و موجب شده که ترکیب عناصر مذکور به سود یک «برتری بالفعل» به هم بخورد. در نهایت نخبه، کسی است که در هر یک از حوزه‌های کنش فردی انسانی، بالاترین توانایی را داشته و با توجه به فرایند حصول دستاوردهایش مورد انتخاب مخاطبان همان حوزه قرار گیرد [۹].

۲-۲. نخبه‌گرایی یا الیتسیم

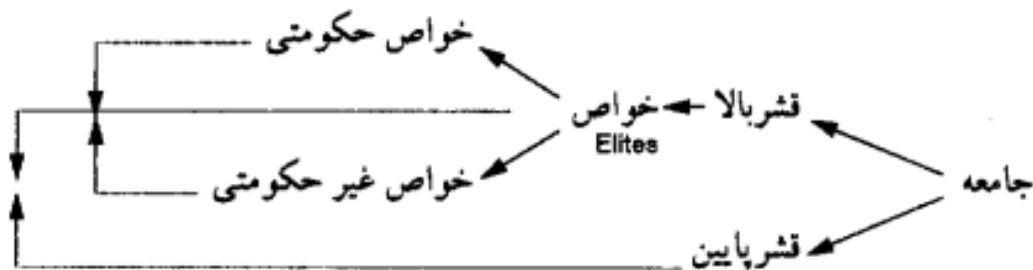
تاریخچه اصطلاح الیتسیم (Elitism) یا نخبه‌گرایی به زمانی برمی‌گردد که «با گسترش دامنه مفهوم طبقه اجتماعی، به تدریج گفتمان جدیدی به نام نخبه‌گرایی شکل گرفت و بدین‌سان در برابر «جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی» آموزه نوینی به نام «جامعه‌شناسی نخبگان» ایجاد و آموزه مارکس به‌سخره گرفته شد» [۱۰]؛ این گفتمان‌سازی، دو گفتمان مارکسیستی و نخبه‌گرایی را در مقابل و تخاصم با هم قرار می‌داد. جرعه و پیشینه الیتسیم و الیت را به اندیشه‌های افلاطون و ماکیاوولی نسبت داده‌اند. افلاطون با کتاب جمهور و با گفته معروف «با رهبر فیلسوف باشد یا فیلسوف رهبر» و ماکیاوولی با اندیشه ایده‌پردازانه «ربط داشتن تفاوت نخبگان و غیرنخبگان با فرایندهای اجتماعی» در محققان و نظریه‌پردازان بعدی بازتاب داشت. یکی از این نظریه‌پردازان تأثیرگذار و برجسته، ویلفردو پارتو است.

۲-۳. نظریه چرخش / گردش نخبگان (The circulation of Elites Theory) پارتو

ویلفردو پارتو (Vilfredo Pareto)، دانشمند و فیلسوف و مهندس ایتالیایی، یکی از معدود جامعه‌شناسانی که نقش اجتماعی خواص، نخبگان، برگزیدگان یا الیت را در کتاب «رساله جامعه‌شناسی عمومی» در مرکز نظام جامعه‌شناختی خود قرار می‌دهد. از نظر پارتو، برگزیدگان مشتمل بر تمامی کسانی هستند که خصوصیات استثنایی و منحصر به فرد دارند و یا در زمینه‌ی کاری خود یا در بعضی فعالیت‌های بشری، دارای استعدادها و قابلیت‌هایی عالی هستند [۱۱]. در میان طبقات اجتماعی متفاوت موجود در جامعه‌ای ذاتاً ناهمگن، پارتو قائل به تقسیم‌بندی دوگانه است: در یک طرف «طبقه بالا» (La couch superieure) قرار دارد و در طرف دیگر «طبقه فرودست یا پایین» (La couch in ferieure). طبقه

بالا همان است که گروه حکومت کنندگان جزئی از آنند و طبقه فرو دست آنی است که انبوه افراد حکومت شده را در دل خود جای می دهد» [۱۲]. این دسته بندی پارتو به خواص و عوام، اصطلاحات «برگزیدگان» یا «لیت» ها و «توده» ها را در نظریه اش مطرح و برجسته کرد.

وی معتقد است که برگزیده بودن، به معنی این نیست که حتماً آن شخص برجستگی ها و شایستگی هایی را به حق به دست آورده یا داشته است بلکه این برگزیده بودن صرفاً در نتیجه کسب نمره بالاتر به دست آمده و ممکن است شخص برگزیده اسماً آن را به یکدک بکشد و این مقام برگزیدگی از راه حق و یا داشتن شایستگی هایی حتمی کسب نشده باشد. همین خواص نیز در نظریه پارتو، به دو دسته تقسیم می شوند: خواص حاکم/ حکومتی و خواص غیر حاکم/ غیر حکومتی/ محکوم.



شکل ۱- دیدگاه پارتو نسبت به افراد جامعه [۱۳]

از نظر پارتو طبقه حاکم نیز به نوبه خود طبقه ای ناهمگن است که در آن ثروت، منزلت (Prestige) و حتی قدرت به گونه ای نابرابر توزیع شده است و ابزار اصلی آنان برای حفظ قدرت عبارتند از: زور (Force) و مکر (Ruse) [۱۴]. به طور خلاصه، اهم نظریات پارتو در زمینه گردش نخبگان به قرار زیر است: تعلق به طبقه نخبگان لزوماً ارثی نیست؛ فرزندان، تمام خصوصیات ممتاز والدین خود را ندارند؛ پیوسته نوعی کنار گذاشته شدن نخبگان قدیمی توسط نخبگان جدید صورت می گیرد [۱۵]. بنابراین از دید پارتو، همواره نخبگانی جدید از بین نخبگان غیر حاکم و یا از میان توده های شایسته تر ظهور کرده و دگرگونی در جوامع، حاصل چرخش همین نخبگان است [۱۶]. این دگرگونی در بخش بعدی پژوهش حاضر در انجمن شاعران مرده بررسی می شود.

۳. تحلیل و بررسی

این فیلم براساس رمان تام شولمن، به کارگردانی پیترویر با بازیگری رابین ویلیامز به عنوان معلم ادبیات ساخته شده است. ویر که تجربه کارگردانی فیلم های مربوط به آموزش و پرورش را در کارنامه خود به صورت درخشان دارد، مبارزه فرد علیه جامعه و نهادهایش را در آثارش به جا می گذارد.

همان طور که فردگرایی کیتینگ واکنش به دهه ای بود که هنرستیزی و آزار و اذیت سازش ناپذیران فکری مشخصه اش بود [۱۷]. هر چند که واژه «مُرده» در عنوان این فیلم، گونه ای حس و تأثیر منفی در مخاطب ایرانی ایجاد می کند، لیکن گریزی از آن نبوده است. زیرا مرده، معادل کلمه Dead در عنوان اصلی فیلم به انگلیسی بوده که انتخاب این عنوان خود براساس احیای انجمنی قدیمی است که چرخش نخبگان بر محور آن می چرخد.

یکی از نکات قابل تأمل در تصویربرداری فیلم، نگاه بالا-پایینی بین نخبگان حاکم و غیر حاکم است؛ دوربین به تناسب نخبگان حاکم تصاویر نخبگان را نشان می دهد و قرارگیری نخبگان در کادر، متناسب با بالادست یا پایین دست بودن به صورت غیرملموس نمایانده می شود. در ادامه ضمن تحلیل فیلم، به این نکات نیز اشاره خواهد شد.

ثبات و تعادل و توازن اولیه در فیلم بدین صورت است که مدیر، معاون و دبیران در دبیرستان ولتون، نخبگان حاکم هستند که با قدرت‌نمایی، خانواده‌ها را همراهی با نیات و افکار و اهدافشان جلب کرده‌اند. در این میان، دانش‌آموزان به عنوان نخبگان فرودست و غیرحاکم مجبور هستند به گفتمان غالب و اوامر و برنامه‌ها و وظایف خشک و کسل‌کننده از پیش تعیین شده، بدون اعتراض و اظهار نظر و آزادی و انعطافی عمل کنند. در تصویر زیر، جشن بازگشایی مدرسه ملاحظه می‌شود که در آن نخبگان حاکم یعنی مدیر، معاون و دبیران در فرادست و جایگاه بالا نشسته‌اند و دانش‌آموزان و خانواده‌ها در پایین‌دست سالن به سخنرانی‌ها گوش فرامی‌دهند.



شکل ۲- سخنرانی مدیر در جایگاه حاکم و فرادست و دانش‌آموزان در جایگاه فرودست

۱-۳. چرخش معلم-نخبه غیرحاکم نسبت به نخبگان حاکم مدرسه: ورود کیتینگ به مدرسه ولتون

جان کیتینگ، معلم جدید و نسبتاً جوان ادبیات که خود روزی محصل همین مدرسه نخبه‌پرور ولتون بوده، از همان اولین ورودش به کلاس، تفاوت را به کلاس خود فرامی‌خواند. درحالی‌که دیگر معلمان، بخاطر قواعد خشک و سفت و سخت مدرسه، دانش‌آموزان را وادار به انجام تکالیف دشوار و حفظ طوطی‌وار مطالب می‌کنند، وی دانش‌آموزان را در روز اول کلاس به تالار تشریفات مدرسه می‌برد تا اولین درس خود را در فضایی متفاوت از محیط آموزشی قبلی برای فراگیران رقم بزند؛ اولین درس او به فراگیران: دم را غنیمت بشمارید! او از ابتدا بارقه‌های دعوت به مبارزه را در فراگیران روشن می‌سازد؛ مبارزه و شکستن کلیشه‌ها و عادات غلط و قواعد، به‌ازای شناختن خود و لذت بردن از زمان و پرورش استعدادها.

«او بلافاصله، با خارج کردن دانش‌آموزانش از محدوده‌ی کلاس درس برای برخورد با آنچه اساساً شهودی است در دنیای «اندیشمند آزاد» آن‌ها را حیران می‌کند. از این لحظه به بعد کیتینگ رهبر معنوی پسرها، «کاپیتان» آن‌ها، می‌شود، و آن‌ها را ترغیب و تشویق می‌کند تا راه خودایستایی را پیش گیرند و با اثرات زیانبار همگن‌ساز نهادهای جامع بستیزند» [۱۸]. در نگاهی موشکافانه، می‌توان در فرودست بودن کیتینگ در زمان تحصیلش در ولتون، چرخشی دید که اکنون به فرادست تبدیل شده و سعی می‌کند حکومت کلاس خویش را دست بگیرد.

آن دانش‌آموز-نخبه غیرحاکم پیشین، اکنون معلم-نخبه حاکمی است که با وجود حکمرانی بر کلاس، با اینکه یکی از نخبگان حاکم مدرسه محسوب می‌شود، می‌کوشد هم به تفکرات و قواعدی بتازد که روزگاری از منظر او غلط بوده و حال تصمیم به اصلاح آن‌ها دارد و هم علیه نخبگان حاکمی که عملکرد وی را برنمی‌تابند.



شکل ۳- کیتینگ و دانش آموزان در یک جایگاه همپراز و برابر و زاویه دوربین از فرادست

نکته قابل توجه در تصویر فوق حاکی از جایگاه برابر و متعادلی است که کیتینگ به عنوان دانش آموز-نخبه پیشین با دانش آموز-نخبه کنونی برقرار کرده است؛ وی خود را حاکم بر دانش آموزان نمی شمرد بلکه قدرت حاکمیت خود را، در برابر نخبگان حاکم مدرسه یعنی مدیر، معاون، قواعد خشک و برنامه های غلط و سخت گیری های بی حاصل و کلیشه ها و... به کار می بندد تا هم-دردی خود را از تجربیات تلخ گذشته با نخبگان غیرحاکم فعلی نشان دهد. دوربین به خوبی از زاویه فرادست به دانش آموز-نخبه و کیتینگ به عنوان معلم-نخبه می نگرد و سایه نخبگان حاکم از جمله مدیر را در پس زمینه ذهن مخاطب تصویر می کند. پارتو بر دو نکته تأکید می ورزد که «نسبت توانایی های هر یک از طبقات دوگانه در طول زمان دچار دگرگونی قابل توجهی می شود. آنچه در «تعادل اجتماعی» تعیین کننده است کیفیت و سرعت جابه جایی و گردش نخبگان بین این دو طبقه و یا حتی بین خود برگزیدگان حکومتی است.» [۱۹]. کیتینگ خود را از دانش آموز-نخبه فرودست به معلم-نخبه فرادست ارتقا داده و اکنون در بین برگزیدگان حکومتی که با آنها هم رتبه گشته، باز به دنبال کسب نمره و امتیاز بیشتر جهت گردش بین این نخبگان است و یا تلاش برای دعوت فراگیران فرودست به مبارزه با فرادستان برای کسب قدرت و حکومت. پارتو نخبه را از توده برحسب نمره تفکیک می کند؛ «پاره تو، وجه تمایز نخبه را از توده در این می داند که نخبه کسی است که بالاترین امتیازها را در رشته فعالیت خود دارد. بنابر این، پاره تو در طرح اندیشه خود، عمدتاً بر روان شناختی افراد تأکید دارد [۲۰]. روان، همان جنبه از کیتینگ است که تقویت شده و در فراگیران نیز آن را تقویت می کند و سبب می شود او را رمانتیک گرای احساسی یا فردگرا محسوب کنند.

۳-۲. چرخش دانش آموز-نخبه غیرحاکم نسبت به نخبگان حاکم مدرسه: آموزش فراگیران

کیتینگ به نخبگان فرودست کلاس خود، آموزش هایی غیرمنتظره و بدیع و تعجب برانگیز می دهد؛ «او با همه معلمان فرق می کند و در کلاس به اعمالی دست می زند که هیچ معلمی انجام نداده است. کلاس ادبیات را در زمین فوتبال برگزار می کند. روی میز خودش می ایستد و از بچه ها می خواهد آن ها هم روی میز بروند. او به بچه ها می گوید مقدمه بخشی از کتاب درسی شان را

پاره کنند و... روز اول سال آقای کیتینگ سوت زنان وارد کلاس می شود و از در دیگر کلاس بیرون می رود. با این کار بچه ها را غافلگیر می کند. آن ها را به موزه مدرسه می برد و...» [۲۱].

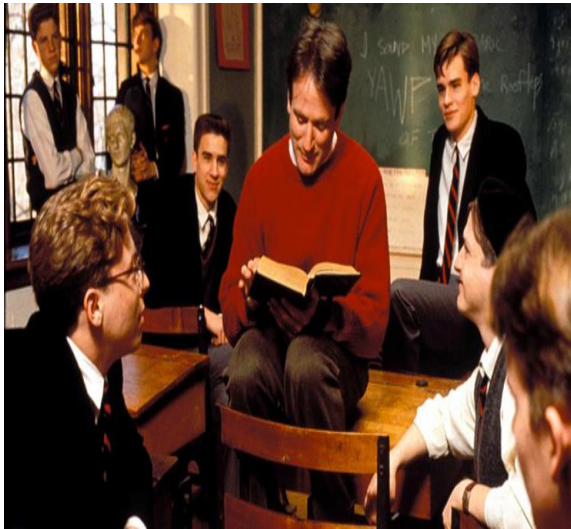


شکل ۴- روی میز رفتن معلم و فراخواندن آن ها به روی میز ایستادن و دنیا را با زاویه جدید نگریستن

دوربین این سکانس ها را طوری نمایش می دهد که نگاه فرادستی-فروادستی خنثی است و تعادل و توازن در کلاس کیتینگ و دانش آموزانش برقرار است.

کیتینگ با شیوه متفاوتش در فراگیران تأثیر می گذارد. در میان آن ها و با آن ها یکی و همدل می شود و به پرورش و تقویت احساس خوب در آن ها اهمیت می دهد.





شکل ۵- ارتباط برابر و متعادل معلم و دانش آموزان و زاویه مستقیم دوربین

دانش آموزان وقتی متوجه می شوند که معلمشان زمان تحصیلش در این مدرسه عضو انجمنی به نام انجمن شاعران مرده بوده که به غار می رفتند و شعر می خواندند و نقد و تمرین شعر و ادبیات می کردند، تصمیم می گیرند آن انجمن را که سال ها منحل شده بود شکل دهند و این اولین فعالیت و آغاز مبارزه رسمی آنان با نخبگان حکومتی است؛ بعد با انتشار شعر یکی از نخبگان فرودست در نشریه مدرسه، مورد توبیخ و خشم حاکمان واقع می شوند. اما آن ها دست نمی کشند. زیرا معلمی دارند که همواره خویشن شناسی و آزادی برای کشف و پرورش استعداد را به آن ها گوشزد می کرد و آموزش می داد.

«از این پس، پسر ها برای شکستن حصارها و قالب ها، و برای به دست آوردن تجربه ی رهایی، دست و پنجه نرم می کنند؛ اما، نه مدرسه و نه والدینشان، چنین چیزی از آن ها نمی خواهند و خود، حصار ی محکم در برابر شانند» [۲۲]. در نتیجه حصار ی که والدین، پیش پای نخبه به قدرت رسیده می کشند، یکی از دانش آموزان به نام نیل دست به خودکشی می زند. پدرش او را به این مدرسه فرستاده تا از او یک دکتر بسازد. در حالی که علاقه و استعداد او در بازیگری است و پدر با مخالفت خود و فرستادن او به مدرسه نظامی، عرصه را بر او تنگ و یأس و ناامیدی نخبه فرودست شده را به اوج می رساند که خودکشی وی، منجر به چرخش نخبگان تازه به حکومت رسیده می شود و نخبگان حاکم پیشین را به قدرت می رساند.

۳-۳. چرخش نخبگان عزل شده از حکومت نسبت به معلم-نخبه حاکم: توبیخ و اخراج معلم

بعد از خودکشی نیل، «مدیر با سؤال پیچ کردن بچه ها، به دنبال ریشه ی حادثه است و یکی از بچه ها، انجمن شاعران مرده را لو می دهد. به این ترتیب، کیتینگ مسؤول اصلی حادثه شناخته می شده و از مدرسه اخراج می شود» [۲۳]. این دانش آموز که باعث لو رفتن و متلاشی شدن اهداف و برنامه های دانش آموزان نخبه می شود، معلم-نخبه را نیز از مقام فرادستی به پایین می کشد و او را نه تنها به مقام فرودست بلکه به اخراج می کشاند. او به جرگه توده ها منتقل می شود.

برخی منشأ شیوه کیتینگ را، فردگرایی و احساس گرایی رمانتیک ی وی تحلیل کرده اند در حالی که معلمان زیادی هستند که احساس گرا عمل می کنند و روابط صمیمی با فراگیران دارند اما آموزش و تدریس آن ها با هر نوع افراطی، به خودکشی و متلاشی شدن نظم و قانون و درگیری نظام سلطه مدرسه و عوامل با هم و با فراگیران نمی انجامد. پس چه چیزی این رمانتیک-گرایی را به ورطه خطر و فروپاشی نظم و نهایتاً اخراج معلم کشانده است؟



شکل ۶- توبیخ و فرودست شدن معلم و از توازن خارج شدن قدرت برابر مدیر-نخبه حاکم و معلم-نخبه حاکم

سكانس های مربوط به چالش و تغییر موضع فرودست و فرادست، به صورت مستقیم و برابر به تصویر کشیده شده است و دوربین به زیبایی توازن قبل از تغییر موضع و چرخش نخبگان را به نمایش گذاشته است. از چشم انداز پارتو، در رفتار اجتماعی، احساس، نیروی غالب و مسلط است و در این زمینه عقل و منطق تأثیر اندکی دارند. در پشت هر عمل و رفتاری به هر حال احساسی نهفته است و مبنای رفتار انسان، الزاماً عقل نیست. از نظر وی، کنش هایی منطقی هستند که در آنها وسایل متناسب با هدف به کار رفته است. با این حال شمار زیادی از کنش ها غیرمنطقی هستند زیرا از احساس سرچشمه می گیرند [۲۴]. در نتیجه از آن جایی که وسایل متناسب با هدف های مدنظر کیتینگ مهیا نبوده و اهداف او درونی و از نوع بیداری آگاهی و خویشتن سازی و آزادی اراده و شکستن حصارها جهت کشف و پرورش استعداد بوده، با اهداف آموزشی والدین و نظام آموزشی عقل محور غالب و وسایل متناسب با آن در تضاد قرار گرفته و کنش های وی از نوع غیرمنطقی و احساسی افراطی تلقی شده است.

۳-۴. چرخش نخبگان عزل شده از حکومت نسبت به دانش آموز-نخبه حاکم: تنبیه و توبیخ دانش آموزان

دانش آموزان نخبه که دوره نوجوانی و بلوغ فکری-عاطفی و روانی خود را پشت سر می گذارند، با کنش های احساسی معلم به وجد می آیند.

متوجه خود و استعدادهای واقعی خود می شوند و درصدد پرورش آن ها به مبارزه با نخبگان حاکم و توده ها برمی خیزند؛ تاد به- حدی بر عقده فرودستی اش فایق می آید که می تواند سکوت و سرخوردگی مداومش را بشکند و استعداد ادبی خود را شکوفا کند. نیل، استعداد بازیگری اش را کشف می کند و با بازی در نمایش مدرسه، به پرورش آن می پردازد که با مخالفت شدید پدرش مواجه می شود؛ چراکه با رؤیای دیرینه و اقتصادی پدرش، پزشکی، به جنگ برمی خیزد. نظام نخبگان حاکم، والدین را به رؤیاهایی ولو خلاف استعداد و توانایی و خواسته دانش آموز می آشوباند و آن ها را با مکر یا تبلیغ و مهارت های ویژه جذب برنامه ها و قدرت و سلطه خود می کند تا بتوانند نخبگان فرودست را کنترل و هدایت کنند؛ طبق اصول و اهداف و تصمیم هایی که خودشان صحیح می دانند؛ مطابق شعاری که هر نظام سر می دهد همچون ولتون که سنت، افتخار، انضباط و سرافرازی را با قواعد خشک و افراطی و دشوار در جهنمی که فراگیران خود را محکوم به آن می دیدند طی صد سال به دوش می کشید.

در این چرخش، پدر نیل بر او فایق می آید و نیل که این چرخش زورمندانه را بر نمی تابد و نمی تواند قدرت و سلطه وارد شده را بپذیرد، دست به خودکشی می زند.



شکل ۷- جدال قدرت برتری بین پدر و پسر

دوربین لحظات جدال قدرت بین دو طبقه را نیز به صورت مستقیم و بدون بالادستی-پاییندستی به تصویر می کشد که پس از آن توازن به هم می ریزد و چرخش نخبگان به مرحله دیگری منتقل می شود. به عبارت دقیق تر، لحظات پیش از گردش نخبگان، لحظاتی است که آبستن تغییر و چرخش است و در این فیلم، دوربین این لحظات را به صورت مستقیم، خنثی، برابر و همپراز زاویه بندی و تصویر کرده است.

دیگر نخبگان مدرسه نیز با لو رفتن انجمن شاعران مرده به واسطه یکی از اعضای گروه خودشان، قدرت را از دست می دهند و زور نخبگان حاکم بر آنان می چربد.

نظریه گردش ادواری نخبگان پارتو بر این فرض استوار است که نخبگان غیرحاکم می توانند شجاعت و بی باکی حمله به مناسبات پوسیده نظم کهن را به دست آورند و میانشان نوعی عصبیت و همدلی فوق العاده به وجود آید. اما پس از چندی به محض آنکه رقبا را از صحنه خارج کردند، خود از درون به نزاع برخاسته و از آنجا که قدرت همواره میل به تمرکز و تک قطبی و انحصاری شدن دارد، دورانی تلخ میان گروه نخبه تازه به قدرت رسیده شروع می شود و سرانجام به حذف آنها می انجامد [۲۵]. همان طور که در سکانس پایانی فیلم می توان مشاهده کرد، گروه نخبگان فرودست که از فرادستی به فرودستی پیشین خود بازگشته اند، برای تشکر از معلم روی میز می ایستند و در این میان تنها «کامدرون» است که به علت لو دادن گروه، سر به زیر می نشیند.

۳-۵. چرخش دانش آموز-نخبه غیرحاکم نسبت به نخبگان حاکم مدرسه: اعتراض دانش آموزان نسبت به اخراج معلم

زمانی که کیتینگ اخراج می شود، برای برداشتن وسایلش به کلاس آمده و فراگیران همگی ساکت و ناراحت به او زل می زنند. مدیر می آید و از آنها می خواهد کتاب هایشان را باز کنند و بخوانند.

در لحظه پایانی که کیتینگ در سکوتی عمیق می خواهد کلاس را ترک کند، تاد روی میزش می ایستد و دیگر نخبگان فرودست را نیز برمی انگیزد که همدلانه همچون گذشته معلم-نخبه خود را همراهی کنند. آنها با سر دادن لقب معلمشان یعنی «ناخدا،

ای ناخدای من» او را بدرقه می کنند. درحالی که مدیر با تهدید و خشونت به آن ها دستور می دهد از روی میز بیایند پایین و سرجایشان بنشینند. مدیر نمی تواند کلاس را کنترل کنند. این فرودستان هستند که کلاس را برای خداحافظی به دست می گیرند که این خود مجدد چرخشی را بین نخبگان نشان می دهد.



شکل ۸- چرخش نخبگان در مقابل مدیر-نخبه از زاویه دید معلم-نخبه غیرحاکم

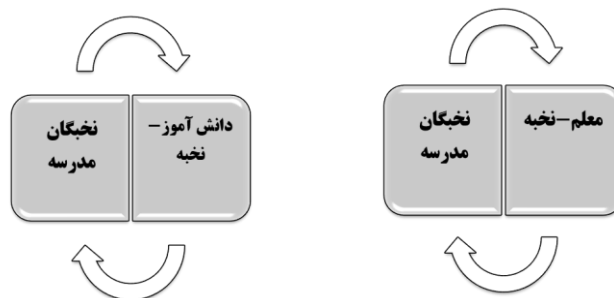
در اندیشه پارتو، گردش نخبگان ناشی از افول منافع مستقر و ظهور منافع نو به شمار می آید. آن ها اگرچه در آغاز ممکن است از نخبگان حاکم نباشند، اما به تدریج به شیوهی خود قدرت را در دست می گیرند. لذا جهت حفظ قدرت، باید راهبردهایی را پیروانند تا بتوانند امتیازات کسب شده را حفظ کنند. اما به تدریج گروه حاکمان پیشین به خود می آیند [۲۶]. در نتیجه تنها راهبرد کوچکی که برای تشکر از زحمات معلم و دلجویی از اخراج ناحق او به ذهن نخبگان رسیده، این بوده که به روش کیتینگ روی میز برخیزند و او را صدا بزنند؛ با همان شوری که در چشمانشان موج می زد. این چرخش پایانی، به مخاطب می فهماند که چرخش نخبگان، به پایان نرسیده و با حذف یک نخبه، این دور به انتها نمی رسد و ادامه دارد.

۴. آسیب شناسی نظام نخبگانی مدرسه ولتون

انتقاد وارد به نظریه پارتو این است که وی در بحث نمره دادن جهت شناسایی نخبه، به راه و روش به دست آوردن برگزیدگی و فضیلت بی توجه است و به آن اهمیتی نمی دهد؛ «پارتو برای تعیین نخبگان هیچ گونه پایه ی اخلاقی را اساس قرار نمی دهد» [۲۷]. در صورتی که قرآن کریم نگاهی متعالی دارد و ایده برگزیدگی را با راه و روش به حق و پسندیده و درست مدنظر دارد که این یکی از امتیازات مفهوم نخبگی اسلامی-ایرانی است. در نظریه پارتو، هر کسی نمره یا امتیاز بیشتری کسب کرده باشد، به عنوان نخبه از توده مجزا می شود و اگر به حکمرانی نائل شود، از نوع نخبه حاکم محسوب می گردد. این نخبگی، با اینکه موروثی نیست اما از این نظر که فضیلت مدار و دینی نیست، آن را از نظر فرهنگ و جامعه ایرانی قابل انتقاد می سازد. آسیب نخبه گرایی و نخبه پروری دوگانه دبیرستان ولتون، به نخبه کشی کشیده شد. همین نخبه کشی، نخبه گرایی مدرسه را نقض و عملکرد آن را آسیب پذیر، قابل انتقاد و در وجوهی خطرناک می کند. دیگر آسیب هایی که در فیلم شناسایی شد، بدین قرار است:

- افزایش توجه به منافع و اهداف جمعی گروه جهت کسب استقلال و هویت جمعی و غلبه بر نخبگان حاکم
- کاهش تمرکز بر پرورش استعداد شخصی و کاهش اعتماد به نفس در صورت عدم پیروزی
- به هم ریختن هنجارهای اخلاقی-احساسی نوجوان و جامعه
- غلیان تعصبات مبارزه طلبانه در فراگیر و دیگران در طی چرخش های ادواری بین نخبگان حاکم و غیرحاکم

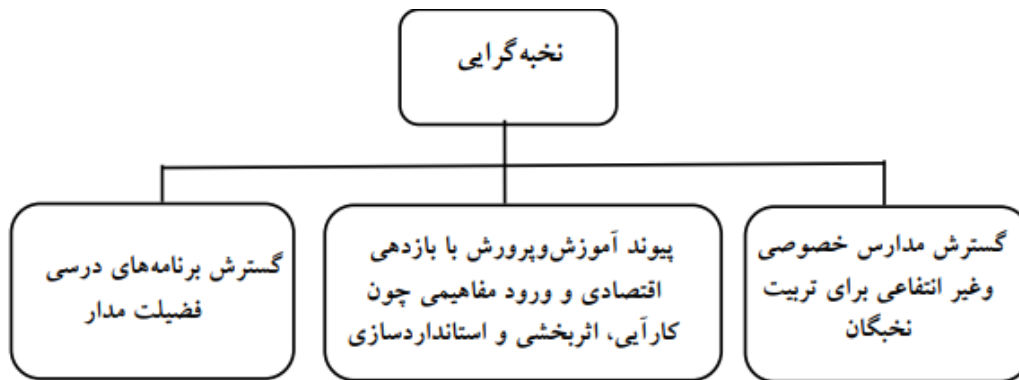
در تصویر زیر، گردش ادواری نظام نخبگانی مدرسه ولتون قابل ملاحظه است؛ این گردش در یک زاویه، بین کیتینگ و نخبگان حاکم مدرسه صورت گرفته بود و در زاویه دیگر، بین دانش آموزان و نخبگان حاکم در مدرسه از جمله مدیر و معاون و دبیران و خانواده هایی که برای خلاقیت، آزادی، التذاذ و... در دانش آموزان ارزشی قائل نبودند.



شکل ۹- گردش تقابلی و ادواری نخبگان در انجمن شاعران مرده

نخبه پروری احساسی-شهودی کیتینگ نیز جای بحث دارد. فردگرایی این معلم، سبب جمع گرایی فراگیران می شود؛ این تضاد از این روی است که او احساسات کسانی را به غلیان آورده و موج عاطفی را در آن ها ایجاد کرده که در اوج بلوغ به سر می برند. آن ها به گروه اقلیت خودشان چشم می دوزند و در راستای ابراز وجود و هویت بخشی به خودشان، نیاز دارند که در کنار هم باشند تا بتوانند از مرتبه فرودست، به فرادست تغییر کنند و عرصه برای آزادی آن ها فراهم شود. لذا در مرتبه فرادستی است که می توانند به فردگرایی روی آورند و آن چه دوست دارند را پی گیرند. مادامی که به آن مرتبه نرسند، همه در جرگه فرودست و زیردست باید به برنامه های یکنواخت و خشک نخبگان حاکم تن دهند. بنابراین بر نخبه پروری کیتینگ نیز این نقدها وارد است؛ نخبه پروری احساسی-شهودی، نخبه پروری تقابلی-تخاصمی و نخبه-پروری یکسویه.

در این فیلم، نمونه ای از تضادها و تقابل ها و چرخش های نخبگان حاکم و غیرحاکم در غرب به تصویر کشیده شد. تقابل عقل و احساس، جبر و آزادی، خفقان و شادی و... حتی تقابل نخبگان حاکم نیز با هم ملاحظه شد. در ایران نیز نخبه گرایی هم قابل انتقاد و آسیب پذیر است و هم در جوهی قابل تحسین؛



شکل ۱۰- تأثیرات نخبه گرایی در آموزش و پرورش [۲۸]

نمودار فوق نشان می دهد که یکی از تأثیرات نخبه گرایی یعنی گسترش مدارس خصوصی و غیرانتفاعی برای نخبگان، سبب می شود آموزش و پرورش از اصول و اهداف سند تحول دور شود؛ به این معنی که نخبگان از دانش آموزان عادی جدا شوند و نوعی نگاه فرادستی در آن ها شکل بگیرد که این نگاه از تعامل و روابط خطی فراگیران با هم می کاهد و آسیب های بعدی را زمینه سازی می کند.

از طرفی، دیگر تأثیر نخبه گرایی آموزش و پرورش یعنی گسترش برنامه های فضیلت محور سبب افزایش کیفیت دینی-معنوی در فراگیران می شود. بدین منظور لازم است که به قرآن کریم و آموزه های ائمه اطهار رجوع شود تا مفهوم شناسی نخبه، نخبه-گرایی و نخبه پروری براساس جامعه دینی-اسلامی ایران پی ریزی و پی گیری گردد.

با اینکه واژه نخبه به طور صریح در قرآن نیامده اما پژوهش هایی صورت گرفته و از منظر قرآن و آموزه های دینی به آن نگریسته شده است. «برخلاف نظر جامعه شناسان غربی که بر اصالت داشتن فرد و یا منافع شخصی، گروهی و حزبی آن تکیه دارد، هدف از نخبگی در قرآن کریم راهبری و اصلاح در جهت آرمان های اسلامی-انسانی بوده و رویکرد نخبگان در جامعه، رویکردی راهبری و هدایتی می باشد. تا آنجایی که نخبه مورد نظر قرآن کریم خود را فدای آرمان ها و ارزش های متعالی جامعه کرده و به واسطه چنین ایثاری به مراتبی از کمال و رشد دست می یابد» [۲۹].

در خصوص اهمیت داشتن توجه به آسیب های نخبه کشی، حضرت آیت الله طالقانی در تفسیر آیه ۹ سوره تکویر، «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ»، این قتل را تنها زنده به گور کردن و کشتن جسمانی کودکان نمی داند بلکه برداشت قرآن از دیدگاه ایشان در این آیه از بین بردن استعداد های نخبه و توانایی های ذهنی کودکان و عدم استفاده از استعدادها، گناهی نابخشودنی و قتل عمد محسوب می شود.

لذا این تعریف مستخرج از قرآن کریم مناسب به نظر می رسد: نخبه کسی است که علاوه بر داشتن بینش توحیدی، دارای شایستگی و توانمندی ویژه بوده، مدار زندگی او بر «انتخاب» و «به گزینی» استوار باشد و در سایه عنایت های ویژه خداوند، از حیث تقویت و ارتقا، از توانایی ها و استعداد های درونی خویش بهترین استفاده را نموده و در جهت رشد و اصلاح خویش و جامعه، بر مبنای چشم اندازی آرمانی، برحسب نیاز و مقتضیات زمان، فردی الگو، تحول گرا و کارساز باشد [۳۰].

۵. نتیجه گیری

در پژوهش حاضر با هدف آسیب شناسی نخبه پروری و نخبه کشی دوگانه مدارس، فیلم انجمن شاعران مرده به عنوان نمونه با روش توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل محتوا و مطالعه منابع کتابخانه ای به صورت داده کاوی استقرایی، از چشم انداز الیتسم پارتو و مشخصاً نظریه چرخش نخبگان وی نقد شد. آسیب هایی چون: الف) افزایش توجه به منافع و اهداف جمعی گروه جهت

کسب استقلال و هویت جمعی و غلبه بر نخبگان حاکم ب) کاهش تمرکز بر پرورش استعداد شخصی و کاهش اعتماد به نفس در صورت عدم پیروزی ج) به هم ریختن هنجارهای اخلاقی-احساسی نوجوان و جامعه د) غلیان تعصبات مبارزه طلبانه خواه به حق یا نادرست در فراگیر و دیگران در طی چرخش های ادواری بین نخبگان حاکم و غیرحاکم در فیلم شناسایی شد. راهکار برون رفت از چنین آسیب هایی در ایران، توجه به مفهوم نخبه، نخبه گرایی، شاخصه های نخبگی و... از منظر قرآن کریم و تعلیم دینی-اسلامی است. لذا قرآن کریم، به اجرای درست سند تحول آموزش و پرورش یاری می رساند و زیرساخت برقراری تعادل لازم در روابط نخبگان و غیرنخبگان، نخبگان حاکم و غیرحاکم و دیگر تقابل ها و تضادهای موجود در نظام آموزشی مدارس نسبت به سرآمدان را پی می ریزد.

منابع

- [۱]. منتظر، غلامعلی و همکاران، «پیامدهای بازاندیشی در مفهوم نخبگی»، فصلنامه سیاست علم و فناوری، ۱۳۹۱، س ۵، ش ۲، زمستان، صص ۱۷-۳۲.
- [۲]. رستمی، رسول و راشد محصل، محمدرضا، «چرخش نخبگان در شاهنامه ی فردوسی (براساس نظریه ویلفردو پارتو)»، نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز، ۱۳۹۹، س ۷۳، ش ۲۴۲، پاییز و زمستان، صص ۱۱۵-۱۳۸.
- [۳]. گرگیچ، حبیباله و جدیدالاسلامی قلعه نو، حبیب، «تبیین اخلاق نخبگی و الگوسازی از نخبگان بر مبنای متون اسلامی ایرانی با تکیه بر آثار ناصر خسرو، قشیری و هجویری»، نشریه پژوهش های اخلاقی، ۱۳۹۷، ش ۳۴، زمستان، صص ۲۶۹-۲۹۶.
- [۴]. اطمینان، خدیجه، «الیتیزم و مشابهت های مندرج در کلیله و دمنه و مرزبان نامه با آن»، نشریه، کتاب ماه ادبیات، ۱۳۸۸، ش ۱۴۳، شهریور، صص ۲۶-۳۱.
- [۵]. رضاقلی، علی، جامعه شناسی نخبه کشی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۹، چ ۳۲.
- [۶]. ذبیحی، سارا و قادری، سیدطاهر، «مدرسه آرمان شهر یا پادآرمان شهر؟ مطالعه موردی فیلم انجمن شاعران مرده»، سومین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، مازندران، آذر ۱۳۹۷.
- [۷]. ایزدی اودلو، عظیم، «تحقیق و تاریخ: مکتب نخبه گرایی»، نشریه کیهان فرهنگی، ۱۳۸۶، بهار، ش ۲۴۸، ص ۵۴.
- [۸]. کوشکی، کاظم، بررسی مقایسه ای نخبگان در شاهنامه و بهمن نامه، پایان نامه کارشناسی ارشد، خراسان رضوی: دانشگاه حکیم سبزواری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۹۸، ص ۲.
- [۹]. مصلح، پگاه، نخبه گرایی مشارکتی (با توجه به لزوم بازسازی مفهوم نخبه)، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۴.
- [۱۰]. دیلم صالحی، بهروز، «درآمدی بر نخبه گرایی»، نشریه راهبرد، ۱۳۸۳، ش ۳۱، بهار، ص ۱۷.
- [۱۱]. طاهری، مازیار، «نخبه و نخبه گرایی»، نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، ۱۳۸۷، ش ۳۹، تابستان، ص ۳۷.
- [۱۲]. خرمشاد، محمدباقر، «نقش اجتماعی خواص از دیدگاه جامعه شناسی پارتو (۱۸۴۸-۱۹۲۳)»، نشریه مصباح، ۱۳۷۶، ش ۲۳، پاییز، ص ۱۷۵.
- [۱۳]. همان، ص ۱۷۶.
- [۱۴]. همان، ص ۱۷۶.
- [۱۵]. طاهری، مازیار، «نخبه و نخبه گرایی»، نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، ۱۳۸۷، ش ۳۹، تابستان، ص ۳۷.
- [۱۶]. رستمی، رسول و راشد محصل، محمدرضا، «چرخش نخبگان در شاهنامه ی فردوسی (براساس نظریه ویلفردو پارتو)»، نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز، ۱۳۹۹، س ۷۳، ش ۲۴۲، پاییز و زمستان، صص ۱۲۰.
- [۱۷]. بری، استفن و تاره ول، دیوید، «سینمای معنوی: ابهام و تناقض اخلاقی در انجمن شاعران مرده»، ترجمه فرهاد ساسانی، فارابی، ۱۳۸۰، ش ۴۰، بهار، ص ۱۹۵.

- [۱۸]. همان، ص ۱۹۵.
- [۱۹]. خرمشاد، محمدباقر، «نقش اجتماعی خواص از دیدگاه جامعه‌شناسی پارتو (۱۸۴۸-۱۹۲۳)»، نشریه مصباح، ۱۳۷۶، ش ۲۳، پاییز، ص ۱۷۷.
- [۲۰]. ایزدی اودلو، عظیم، «تحقیق و تاریخ: مکتب نخبه‌گرایی»، نشریه کیهان فرهنگی، ۱۳۸۶، بهار، ش ۲۴۸، ص ۵۵.
- [۲۱]. زین‌العابدین، علی‌اکبر، «کلاس حیرت و تشنگی / نگاهی به فیلم «انجمن شاعران مرده»»، رشد معلم، ۱۳۹۲، ش ۲۷۷، ص ۳۰.
- [۲۲]. بیانلو، حسن، «نقد فیلم: مکیدن جوهر حیات (نگاهی دیگر به فیلم انجمن شاعران مرده)»، رشد معلم، ۱۳۸۵، ش ۲۰۲، مهر، ص ۴۱.
- [۲۳]. همان، ص ۴۱.
- [۲۴]. ایزدی اودلو، عظیم، «تحقیق و تاریخ: مکتب نخبه‌گرایی»، نشریه کیهان فرهنگی، ۱۳۸۶، بهار، ش ۲۴۸، ص ۵۶.
- [۲۵]. رفیع، محمدحسین و قربی، سیدمحمدجواد، «جستارهایی در باب الیتسم کلاسیک با تأکید بر آراء ویلفردو پاره‌تو»، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۳۹۰، د ۴، ش ۱۴ (۱۵)، بهار، ص ۲۰۶ و ۲۰۷.
- [۲۶]. طاهری، مازیار، «نخبه و نخبه‌گرایی»، نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، ۱۳۸۷، ش ۳۹، تابستان، ص ۳۴.
- [۲۷]. همان، ص ۳۷.
- [۲۸]. نیک‌نشان، شقایق و صمدی دارافشانی، علیرضا، «تأملی بر آموزش و پرورش نخبگان»، نشریه علوم تربیتی دانشگاه شهیدچمران اهواز، ۱۳۹۶، د ۶، س ۲۴، ش ۱، بهار و تابستان، ص ۱۲.
- [۲۹]. بسطامی، بهزاد و حسینی، زینب‌السادات، «مدل و ساختار نخبگی در قرآن کریم»، نشریه اسلام و علوم اجتماعی، ۱۴۰۰، ش ۲۵، بهار و تابستان، ص ۲۸ و ۲۹.
- [۳۰]. بسطامی، بهزاد و همکاران، «تبیین شاخصه‌های نخبگی، استراتژی و بازتعریف آن از منظر قرآن کریم»، نشریه آموزه‌های قرآنی، ۱۳۹۹، ش ۳۱، بهار و تابستان، ص ۴۹.

Horizon of child and adolescent of Elitism in schools and Pathology of ignoring elite (Critique of Film of the Dead Poets Society with Vilfredo Pareto's Elitism)

Sarah Zabihi ¹, Seyyed Taher Ghaderi ²

Abstract

Each system and theory constructs the concepts of Elite, Elitism and the characteristics of elitism, etc. from its own perspective. In Vilfredo Pareto's classical elitism, the theory of the elite rotation depicts an authoritarian and power-hungry discourse in which balances and balances are transformed by the distribution of power; The leaders who have higher privileges than the masses are the elite and are divided into upper-ruling and non-ruling ruling classes. How elitism leads to harms such as elitism is answered by descriptive-analytical method of content analysis with inductive data mining with the help of library resources. The present study tries to critique the film of the Dead Poets Society as a Western example with the aim of pathology. The results show that the elite educational system of schools may be infected with harms such as elitism and other harms may occur due to confrontations and the orderly transformation of the elites. The way out of these harms in the Islamic-Iranian educational system is to pay attention to the Holy Quran and religious teachings, which will help the accurate and correct implementation of the document of fundamental transformation of education in a balanced, interactive and transcendent way.

Keywords: Elite, Elitism, Vilfredo Pareto, Elite Rotation Theory, Film Criticism, Pathology, Holy Quran.